

رسانه‌ها و استعداد‌های درخشان

دوپینگ پشت کنکوری‌ها*

همه این فکر و خیال‌ها وقتی به ذهن خطور می‌کند که در روزنامه آگهی رامی‌بینی: «کنکوری‌ها... پودر نشاط‌آور در موقع فعالیت شدید فکری، مطالعات و یادگیری درسی.» با دیدن این آگهی هر کسی امکان دارد هوس کند تا با خوردن یک قاشق از این پودرها یا بالا انداختن یک قرص از این دست، علامه دهر بر سر جلسه کنکور حاضر شود.

اما اندکی تأمل کنید چون استفاده از این مواد نه تنها آنقدرها هم بی‌خطر نیست که اینقدر خطرناک است! دسته‌ای از قرص‌ها و داروها که به دلیل عوارضی چون کم‌خوابیدن - که احتمالاً بحث مورد علاقه پشت کنکوری‌ها هم هست - شاید قدرت جذب این دسته از مخاطبان را داشته باشند. دسته‌ای از این داروها عنوان «اکستازی» را دارند که منجر به افزایش انرژی و کاهش خواب می‌شود.

دکتر محسن وزیریان، رئیس اداره پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد می‌گوید: «اکستازی دسته‌ای از داروهای محرک است که از خانواده آمفتامین‌ها هستند و کم‌خوابی و در نتیجه افزایش فشارخون و ضربان قلب را به همراه دارد. البته استفاده از این داروها در بعضی از افراد حالت سرخوشی

* سعیده علیپور / همشهری، شماره ۳۳۳۰

نیز به وجود می‌آورد.» اکس شبه ماده غیرقانونی است که در آزمایشگاه‌های غیرقانونی، بیشتر در جنوب شرق آسیا مثل کشورهای تایلند و تایوان تولید می‌شود.

این دسته از داروها نه تنها هوش و حواس را بالا نمی‌برد بلکه توهم‌زاست و در بعضی مواقع مخصوصاً در صورتی که سن فرد استفاده کننده بالا باشد، باعث مرگ وی می‌شود.

جوان است، اما سابقه استفاده از این قرص‌ها را داشته: «شب امتحان پایان ترم دانشگاه بود. یکی از بچه‌ها داد، گفت: بخور تا صبح بیداری. من هم خوردم و تا صبح هم بیدار ماندم اما چیزی که دستگیرم نشد درس بود، چون تا یک هفته بعد درگیر توهم و کابوس بودم.»

قرص‌های اکستازی بیشتر در میان نوجوانان سوء مصرف دارد. در غرب این قرص‌ها بیشتر برای مجالس رقص طولانی مدت مصرف می‌شود. متأسفانه عمده مصرف این قرص‌ها در ایران به همین شکل است و در مجالسی با عنوان خاص آنها مصرف می‌شوند. در بعضی از موارد، استفاده از این قرص‌ها عوارض شدید روانی نیز در پی دارد. احساس انرژی فراوان در کوتاه مدت و بعد از آن احساس ضعف، خستگی و اضطراب در پی دارد. در بعضی از موارد نیز احساس افسردگی شدید بعد از استفاده از این قرص‌ها به فرد دست می‌دهد.

ایجاد توهم یکی دیگر از عوارض استفاده از قرص‌های خانواده اکستازی است که امکان دارد پس از توقف استفاده از این قرص‌ها، این حالت همچنان در فرد باقی بماند و بدتر آنکه استفاده از این قرص‌ها اعتیادآور است.

به هر حال فکر نکنم شما حاضر باشید به خاطر یک شب زنده‌داری برای درس خواندن و یارفتن به دانشگاه این همه خطر را به جان بخرید، در حالی که عملاً نیز نتیجه‌ای در بر ندارد. البته قرص‌های اکستازی که مصرف آنها غیرقانونی هستند را در داروخانه‌ها پیدا نمی‌کنید. اما هیچ بعید نیست که قرص‌های مشابه در داروخانه‌ای پیدا شود: «جینگو تیدی». جوان داروخانه چی می‌گوید: «این قرص برای تقویت حافظه است و کاهش خواب، از داروهای گیاهی است» اما خودش آنقدر با اکره معرفی می‌کند که به شک‌ام می‌اندازد: «ضرر ندارد؟» می‌گوید: «مگر می‌شود ضرر نداشته باشد؟ هر دارویی یک ضرری هم دارد» و بعد خودش توضیح می‌دهد از این قرص‌ها شب امتحان استفاده کرده و آن درس را افتاده است. بعد می‌گوید: «اصولاً با نسخه پزشک این قرص را می‌دهیم.» اما وقتی می‌گویم اگر یک بسته از این قرص‌ها بخواهم می‌دهید؟ سرش را به نشانه «بله» تکان می‌دهد. از این جور مواد که حافظه را افزایش می‌دهند یا منجر به تقویت آن می‌شوند، در داروخانه‌های گیاهی هم وجود دارد «گندور».

خیلی‌ها هم از آنجایی که فکر می‌کنند داروهای گیاهی کمترین خطر را دارند، به استفاده از

داروهای گیاهی روی می‌آورند. دکتر وزیریان می‌گوید: «دسته‌ای از آمفتامین‌ها برای بیماری‌های خاص مصرف دارند، اما برای افزایش حافظه اصلاً تجویز نمی‌شوند؛ چرا که چنین چیزی باور غلطی است و هیچ دارویی برای افزایش حافظه تجویز نمی‌شود». وی می‌افزاید: «مصرف این مواد، انرژی کاذب به بدن می‌دهد و فرد را بعد از مدت کوتاهی دچار خستگی مفرط می‌کند و ضعف حافظه را نیز در پی خواهد داشت». اما دسته دیگری از مواد هم مواد کالری‌زا از دسته کربوهیدرات‌ها هستند. گرچه مصرف آنها مثل آمفتامین‌ها خطرناک نیست، اما شما می‌توانید انتظار داشته باشید که با استفاده از آنها مثل ملوان زبل، از پس هر فعالیت بدنی بر بیایید. گرچه دانایی کسی را اضافه نکرده است.

رئیس اداره پیشگیری و درمان سوء مصرف مواد در این مورد می‌گوید: «مصرف مواد دارای کربوهیدرات، با نام اینکه حافظه را افزایش می‌دهد، غیرقانونی است؛ چرا که این دسته از مواد با داشتن کالری فراوان، انرژی فراوانی به فرد می‌دهد و مقدار کمی از آنها می‌تواند به فرد توان فراوانی برای فعالیت بدنی دهد که این کالری ممکن است معادل مقدار فراوانی غذا باشد. این مواد ممکن است در مواردی با کافئین و یا امثال آن ترکیب شود و سرحالی کاذبی به فرد دست دهد. این در حالی است که کافئین از دسته مواد اعتیادآور است و نباید در مصرف این مواد پافشاری کرد».

همه اینها یعنی توصیه نمی‌شود برای بالا بردن حافظه، کم خوابیدن، یادگیری بیشتر و خلاصه قبول شدن در کنکور از این جور چیزها استفاده کنید. با خواب کافی و تغذیه مواد مقوی به مرور زمان می‌توان به این حالت رسید، چرا که به هیچ وجه نمی‌توانید به شیوه‌های مصنوعی میزان یادگیری خودتان را افزایش بدهید.

به هر حال همه اینها را گفتیم تا مطمئن شوید میدان کنکور میدان کشتی نیست و مطمئن باشید که هیچ دوپینگی هم بالاتر از برنامه‌ریزی و تلاش و امید خودتان نیست.

سخت‌تر از کنکور، آسان‌تر از تصمیم*

پشت در سفارت یک صف طولانی از آدمهایی است که به هر دلیلی خواهان سفر به آن سوی مرزها هستند و بیشترشان را دختر و پسرهای جوان تشکیل می‌دهند.

«اینجا قبول شدن در دانشگاه خیلی سخت است. آدم به جای این که یک سال از عمرش را صرف خواندن کتابهایی بکند که هیچ مطلب مفیدی ندارد و اعصاب خودش و اطرافیانش را خرد کند و

کلاس کنکور برود و آخر هم قبول نشود، بهتر است از اول این همه انرژی و سرمایه را جایی به کار ببرد که مفید باشد.» «م» دنباله حرف دوستش را می‌گیرد و می‌گوید: «مثلاً دانشگاه هم رفتی. وقتی کاری نیست انجام بدهی چه فایده‌ای دارد؟ جز بیکاری چه چیزی به دست می‌آوری؟»

اما شاید مسئله‌ای که باعث تبلیغ تحصیل در خارج از کشور شده آگهی‌هایی است که در روزنامه‌ها به چشم می‌خورد و از متقاضیان درخواست می‌کنند با پرداختن مبلغی پول، بقیه کارها را به دست مسئولان مؤسسه بسپارند. این مؤسسات چقدر در برابر مشتریان مسئول هستند؟

مسئول یکی از مؤسسات اعزام دانشجویان به خارج از کشور می‌گوید: «تعداد مراجعه کنندگان دختر و پسر به این مؤسسه تقریباً مساوی است و اغلب بین ۲۵-۳۰ سال دارند» او خرج تحصیل در کشورهای اروپایی را بسیار گران‌تر از کشورهای آسیایی می‌داند و می‌گوید: «به همین علت کسانی که خواهان سفر به اروپا هستند، بسیار کمتر از کسانی هستند که خواهان سفر به کشورهای آسیایی و همسایه هستند.» آقای حمیدی به مراجعه کنندگان توصیه می‌کند که حتماً از سابقه مؤسسه اطلاعاتی کسب کنند؛ زیرا متأسفانه افرادی هستند که از اعتماد مردم سوء استفاده می‌کنند و پس از گرفتن وجه نقد، مفقودالایر می‌شوند.

واقعیت این است که همه افرادی که قصد رفتن به خارج را دارند، در همان مراحل ابتدایی کار هم موفق نمی‌شوند. کسانی که در طول مسیر سر از بن‌بست‌هایی در آورده‌اند و به آنچه که هدفشان بوده، نرسیده‌اند.

نگرانی در چشمانش موج می‌زند. بغضش را قورت می‌دهد و می‌گوید: «برای ادامه تحصیل در خارج به یکی از آگهی‌ها مراجعه کردم. گفتند اول باید ۵۰۰ هزار تومان بدهیم. با کلی قرض و قوله این مبلغ را جور کردم. پس از گذشت یک ماه وقتی دیدم خبری نشد به مؤسسه رفتم؛ اما با افرادی روبه رو شدم که همه مثل خودم بودند. هیچ کس نبود که پاسخ بدهد. این طور که مراجعه کنندگان می‌گویند پلیس هم دنبال این گروه کلاهبردار است. شما بگویید حالا ما چی کار کنیم؟»

با حمید به وسیله یکی از دوستان آشنا می‌شوم. می‌گوید همه سرمایه‌اش را از دست داده. هرچی داشته فروخته تا بتواند به آن طرف مرز برود و حالا پس از گذشت یک سال با دست خالی و شرمندگی بسیار برگشته است:

«برای این که خرج تحصیل را پردازم مجبور شدم در یک رستوران کار کنم. روزی ده، دوازده ساعت کار می‌کردم و در مقابل، حقوق ناچیزی می‌گرفتم که فقط خرج خورد و خوراکم بود. آخر درس را رها کردم، اما به خانواده‌ام نگفتم. طاقت نیاوردم، نه می‌توانستم این همه تحقیر را تحمل کنم،

نه دوری از خانواده را. غرورم را زیر پا گذاشتم و برگشتم؛ اما با شرمندگی زیاد در مقابل خانواده‌ام و دستی خالی‌تر از موقع رفتم.»

محمد حسین در دانشگاه ترکیه درس می‌خواند. خودش می‌گوید: «اینجا قبول نشدم، رفتم ترکیه. اول خیلی سخت بود. به خاطر دوری از خانواده و ناآشنایی به زبان، اما الان با شرایط کنار آمده‌ام. حالا درس تمام شده می‌خواهم به ایران برگردم. اما گفتند به رشته تحصیلی من نیازی نیست و اگر هم بخواهم ادامه بدهم باید به دانشگاه غیرانتفاعی بروم.»

به نظر دکتر شهروز، استاد جامعه‌شناسی، یکی از مهمترین دلایلی که باعث مهاجرت به خارج برای ادامه تحصیل می‌شود، عدم وجود آینده شغلی مشخص در کشور است: «بیکاری مسئله‌ای است که در بیشتر کشورها وجود دارد، اما نسبت آن متفاوت است. ما افراد با استعدادی داریم که باید زمینه بروز استعدادهایشان را در کشور خودمان فراهم کنیم. متأسفانه از میان ۹۸ کشور جهان ما رتبه چهارم را در فرار مغزها داریم و این مسئله بسیار قابل تأملی است که باید چاره‌ای برایش اندیشید.»

از دیدگاه روانشناسی یکی از علت‌های مهاجرت به خارج برای ادامه تحصیل، رسیدن به هدف است. دکتر طباطبایی می‌گوید: «هر جوانی اهدافی دارد که یکی از این اهداف ادامه تحصیل است. جوان وقتی متوجه می‌شود در کشور خودش موانعی سر راه هدفش قرار دارد دست به انتخاب راه‌هایی می‌زند که در مقابلش قرار گرفته و یکی از این راه‌ها سفر است. از علت‌های عمده سفر به خارج، وجود نداشتن واژه‌ای به نام کنکور در کشورهای دیگر است و علت دیگر، تبلیغات و تصویری است که از طریق وسایل ارتباط جمعی در ذهن شکل می‌گیرد. فرد علاقه دارد این تصورات را از نزدیک ببیند؛ اما بیشتر افرادی که مهاجرت می‌کنند موفق نمی‌شوند. عده‌ای هستند که با بن‌بست روبه‌رو و دچار سرخوردگی می‌شوند. این سرخوردگی ناشی از عدم موفقیت و واکنش به موضوعاتی است که در اطراف فرد قرار گرفته است. دوری از خانواده و کشور، غریب‌بودن، عدم تطابق واقعیت با تصور فرد، مشکلات مالی، عدم پیشرفت در تحصیل و...»

تصور جوانها از سرزمین آرزوها تا واقعیتی که وجود دارد، سرخوردگی در روبه‌روی با واقعیت، بحران‌ها و معضلاتی که پس از تحصیل و بازگشت به وطن گریبانگیرشان می‌شود، دوگانگی‌ها، بی‌هویتی‌ها و... همه و همه مشکلاتی است که رویای تحصیل در خارج از کشور را گاه به یک کابوس مبدل می‌کند.

شناخت بهتر و دقیق‌تر از محیط مورد نظر، توجه به تفاوت‌های فرهنگی و مطالعه درباره بازار کار رشته تحصیلی مورد نظر در کشور، می‌تواند چشم اندازه‌های دور و نزدیک تحصیل خارج از کشور را به شکل واقع بینانه‌تری پیش چشم علاقه‌مندان ترسیم کند.

توجه به نخبگان کشور به عنوان سرمایه‌های ملی از ضروریات است*

در چارچوب سیاست‌های کلی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام برای حمایت از توسعه و فناوری، جذب نخبگان و ایجاد اشتغال از طریق نخبگان در پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد فناوری‌های پیشرفته، عصر دیروز هیئت امنای مؤسسه توسعه فناوری نخبگان با آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دیدار کردند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر لزوم جذب نخبگان، جلوگیری از مهاجرت آنان و ایجاد اشتغال مولد و مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته بومی و مورد نیاز کشور گفت: یکی از راهکارهای اصلی جذب نخبگان، حمایت دولت و مشارکت جدی بخش خصوصی برای ایجاد پارک‌های علمی و مراکز رشد فناوری‌های پیشرفته است که دولت می‌تواند با امکانات و ظرفیت‌های موجود خود و بدون سرمایه‌گذاری اضافی، زمینه جذب بخش خصوصی را در این فرایند فراهم نماید.

وی گفت: علاوه بر کمک‌های دولت، تأسیس صندوق ریسک‌پذیر یا بانک حامی فناوری‌های پیشرفته که توسط فارغ‌التحصیلان ارائه می‌شود، می‌تواند زمینه ساز جذب نخبگان کشور شود.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، نخبگان را سرمایه‌های ملی خواند و ضرورت توجه به آنان را از اقدامات اساسی و حیاتی برای توسعه و خودکفائی کشور دانست و گفت: باید با استفاده از راههای متنوع، زمینه حضور آنان را در پارک‌های ملی و مراکز رشد ایجاد نمود تا فاصله بین تحصیلات علمی و اشتغال آنان ایجاد شود.

در آغاز این دیدار، اعضای هیئت امنای مؤسسه توسعه فناوری نخبگان که یک پارک علمی و سه مرکز رشد فناوری پیشرفته را در سال گذشته با همکاری دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری ایجاد کرده‌اند، گزارشی از روش‌های کار مؤسسه و عملکرد یکساله آن ارائه کردند و خواستار حمایت مجمع تشخیص مصلحت نظام از برنامه‌های این مؤسسه برای جذب نخبگان و توسعه پارک‌های علمی و مراکز رشد فناوری شدند.

گزارشی از یک ماه تلاش و موفقیت علمی دانشجویان ایران در صحنه‌های علمی جهان**

ماه گذشته عرصه‌های علمی دنیا، صحنه درخشش استعداد جوانان دانشجویی کشورمان بود؛

عرصه‌های علمی که در هر کدام از آنها دانشجویان برتر جهان شرکت داشته و در رقابتی با یکدیگر به سنجش میزان توانایی، تدبیر و مهارت‌های علمی خود پرداختند. آنچه در زیر می‌خوانید گزارشی از نمونه‌هایی از موفقیت‌های حاصل شده دانشجویان کشورمان طی ماه گذشته است.

از جمله این درخششها باید به موفقیت مخترعان جوان کشورمان در کسب ۱۰ مدال جهانی از نمایشگاه فن آوری ژنو اشاره کرد. این تیم که با حضور ۵ تن از مخترعان جوان کشورمان در نمایشگاه اختراعات ژنوموسوم به «پال اکسپو» شرکت کرده بود، با کسب ۵ مدال طلا، ۴ مدال نقره و یک مدال برنز از سوی هیئت داوران به عنوان بهترین تیم شرکت کننده انتخاب گردید.

شبیم جهانگیری، مخترع «استخراج مس به روش فروشویی میکروبی با ایجاد جهش روی باکتریها همراه با بررسی اثر آنتی‌بیوتیک بر رشد باکتری»، آناهیتا خازن، مخترع دستگاه تشخیص حجم و دمای مایعات، سعید پایان، مخترع خط کش شیشه‌بر، مریم صابونی، مخترع ورق مقاوم حرارتی مورد استفاده در واشرهای صنعتی، علیرضا راستگار عبدالعلی زاده، مخترع پنبه جادویی و فن آوری تمیزکاری روی سطح و آیفون با تلفن، دانشجویانی بودند که موفق به کسب این موفقیت شایسته شدند.

خاطر نشان می‌کنیم این برای اولین بار بود که کشورمان با اعزام مخترعان خود در نمایشگاه «پال اکسپو» شرکت کرد. نمایشگاه مذکور با شرکت ۴۲ کشور مطرح از جمله آمریکا، ژاپن، مالزی، سوئیس و روسیه برگزار شده بود.

نایب قهرمانی دانشجویان ایران در مسابقات جهانی روبوکاپ آلمان، خبر مسرت بخش دیگری از موفقیت‌های جوانان نامدار ایرانی است. دانشجویان تیم روبوکاپ دانشگاه صنعتی اصفهان، تیم ایرانی شرکت کننده در این مسابقه بودند که بر رقبای قدرتمند اروپایی خود غلبه کرده، در دیدار نهایی با تیم آلمان در رقابتی شدید و نزدیک با شکست یک بر صفر به مقام دوم دست یافت.

در تشریح نحوه کسب این موفقیت بزرگ، دکتر فدایی سرپرست تیم دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان گفت: کیک ربات‌های ساینز متوسط یکی از مشکل‌ترین و در عین حال جذاب‌ترین رقابت‌های روبوتیک است که طی آن ۵ ربات فوتبالیست در زمینی به وسعت ۸×۱۲ متر به رقابت می‌پردازند. وی خاطر نشان کرد: تیم روبوکاپ دانشگاه صنعتی اصفهان با بهره‌مندی از سخت‌افزاری مطمئن، نرم‌افزاری هوشمند و ربات‌هایی با کنترل خودکار دقیق توانست چهره‌ای شایسته از توانمندی‌های روبوتیک ایران در این عرصه بین‌المللی به نمایش بگذارد. دکتر فدایی با اشاره به تواناییها و لیاقت‌های این تیم گفت: بافت ضعیف این تیم در دیدار نهایی اش در برابر آلمان چیزی از ارزشهای آن کم نمی‌کند.

سرپرست تیم روبوکاپ کشورمان شرکت کننده در مسابقات آزاد روبوکاپ ۲۰۰۴ آلمان گفت:

«در مسابقات مزبور که با حضور ۱۵۰ تیم از ۱۳ کشور جهان برگزار گردید، تیمهای دیگری نیز از دانشگاههای صنعتی شریف، امیرکبیر تهران و همدان در بخش شبیه‌سازی شرکت داشتند.»

کسب مقام اول مسابقات جهانی «بتن» از سوی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه‌نصیر، خبر مسرت بخش دیگری در این راستاست. این تیم توانست با کسب ۳ مقام اول، دوم و سوم مسابقات جهانی بتن که از سوی انجمن بتن آمریکا در واشنگتن برگزار گردید، مقام نخست جهان را در این مسابقه بدست آورد.

دانشجویان برگزیده کشور در صحنه‌های مختلف علمی، ورزشی، فنی و... در راستای ایفای رسالت خویش در حق امروز و آینده علمی کشور گامهای مهم و برجسته‌ای برداشته‌اند. گام تکمیلی را در این راستا باید مسئولین بردارند و زمینه‌های فراگیر شدن روحیه علم‌جویی و دانش پژوهی را در سایر جوانان تقویت کنند.

دانشجویان برجسته در صحنه‌های مذکور که جزییاتش در گزارش حاضر را به حضورتان تقدیم کردیم نیز همین درخواست مشترک را از مسئولین امر مطالبه و مطرح نمودند. امید آنکه مسئولین نیز به وظیفه خود در این زمینه آگاه بوده و نهادهای قانونگذاری، بسترهای حمایت فراگیر همه جانبه و مستمر از فکرهای خلاق و مبتکر را در کشور فراهم کنند.

دوپینگی‌های نظام آموزش *

برنامه شرکت جدی ایران در المپیادها حدود ۱۷ سال پیش آغاز شد. قرار بر این بود که شرکت در المپیادها، زمینه‌ای برای شناسایی نیروهای مستعد مدرسه‌ای و استفاده آنها از وقت‌های اضافه ایجاد کند، استعداد آنها را شکوفا نماید و ایشان را در مسیر مطالعاتی خاصی قرار دهد، ولی انگیزه رقابت با کشورهای دیگر هم به همان اندازه قوی بود. هیچ چیز برای شرکت کنندگان در المپیاد و نیز مردم لذت بخش تر از آن نیست که نام خود و کشورشان را در زمینه علوم پایه در میان ۱۰ کشور برتر جهان ببینند. در حالی که در واقع ایرانیان از این مرتبه بسیار دورند. به این ترتیب، المپیادی‌ها به سرعت توجه همگان را به خود جلب کردند.

در کشور ما ابتدا در یک آزمون تستی سراسری تعدادی از دانش‌آموزان مقاطع دوم و سوم دبیرستان برگزیده می‌شوند و سپس افراد برگزیده در آزمون تشریحی شرکت می‌کنند. پذیرفته

شدگان این آزمون در باشگاه دانش‌پژوهان جوان گردهم می‌آیند و در یک دوره تابستانی در بعد نظری و مسائل پایه‌ای و نیز مباحث اولیه دانشگاهی آماده‌سازی می‌شوند و سرانجام افراد محدودی گزینش و به مسابقات جهانی اعزام می‌شوند.

این افراد در مسابقات شرکت می‌کنند که در زمینه علوم پایه قدمتی پنجاه ساله دارد، ولی از عمر المپیاد کامپیوتر آن مدت زمان زیادی نمی‌گذرد.

دانش‌آموزان ایرانی در کنار دانش‌آموزان سایر ملل، در واقع براساس اصول و قواعد و مقرراتی مسابقه می‌دهند که دهها سال پیش، کشورهای اروپای شرقی ابتدا میان خود و سپس در قالب مسابقات بین‌المللی بنا گذاشتند. دو روز امتحان با چند سؤال محدود که توسط طراحان سؤال در قرنینه تعیین شده، تکلیف مدالها را مشخص می‌کند.

اما چه چیز دهها هزار دانش‌آموز ایرانی را ترغیب می‌کند تا در این مسابقه سخت شرکت کنند؟ مثلاً ۷۰ هزار دانش‌آموز شرکت‌کننده در آزمون ریاضی سال گذشته، از شرکت در آزمون چه هدفی را دنبال می‌کردند؟ برای بسیاری ممکن است هدف هنوز همان انگیزه‌های پنجه در افکندن با ظرایف علوم و اشتیاق زایدالوصف خانواده‌های ایرانی به علم آموزی باشد، ولی موضوعات دیگری نیز وجود دارند که در کنار این انگیزه مقدس چهره بنمایند.

دکتر محمد قدسی رئیس بخش علمی المپیاد کامپیوتر می‌گوید: «شش نفری که در نهایت انتخاب می‌شوند، از کنکور معاف می‌شوند. این موضوع هدف اصلی شرکت در المپیاد یعنی انگیزه کسب دانش را در دانش‌آموزان ضعیف می‌کند. این امتیاز باعث شده اولاً فرق بین نفر ششم و هفتم بسیار زیاد باشد که بر رفتار دانش‌آموز و یادگیری او اثر می‌گذارد و از طرفی باعث شده کلاسهای بیرون با تکنیکهای خاص موفقیت در آزمونهای المپیاد تشکیل شود و حتی عده‌ای معلم خصوصی بگیرند و به این ترتیب از عمق دانش شرکت‌کنندگان کاسته می‌شود. به هر حال این امتیاز هم ایجاد انگیزه می‌کند و هم عواقب منفی دارد. امتیازهای یکباره‌ای خطرناک است و برای خنثی کردن تبعات منفی آن باید فکری کرد. باشگاه به این موضوع فکر می‌کند.»

به عبارتی، استادان المپیادها و متولیان از آن بیم دارند که در المپیادها انگیزه علاقه‌مندی به علم آموزی جای خود را به انگیزه‌های منفعت طلبانه بدهد.

دکتر تابش رئیس بخش علمی المپیاد ریاضی می‌گوید: «در سالهای گذشته بچه‌ها با عشق ریاضی در المپیاد شرکت می‌کردند، اما در سالهای اخیر مزایای جانبی توفیق در المپیاد، باعث شده بعضی حسابگرانه به آن نگاه کنند.»

به این ترتیب، این هراس وجود دارد که افراد مستعد از راهیابی به مسابقات جهانی باز بمانند و

افرادی که در تست زدن حرفه‌ای شده‌اند، جای آنها را بگیرند.

دکتر تابش می‌گوید: «در وزارت آموزش و پرورش کوشش می‌شود در سؤالات تنوع به وجود آید و ماهها روی سؤالات کار می‌شود تا تأثیر کلاسهای جنبی را کاهش دهند.»

این تنها بخشی از حاشیه‌هایی است که مزایای جانبی شرکت در المپیادها به وجود آورده و موضوعاتی فراتر از اینها وجود دارد. دکتر قدسی نتایج مثبت المپیادها نظیر تشویق افراد به تلاش و کتابخوانی و ارتقای سطح دانش آنها، ایجاد انگیزه برای فعالیتهای کمک آموزشی و افزایش اعتماد به نفس دانش‌آموزان، شناسایی استعدادها و نیز اثرات مثبت المپیاد در نظام آموزشی دانشگاهی، ارضای استعدادها و ایجاد زمینه برای رشد خلاقیتها را غیرقابل انکار می‌داند. اما در عین حال، تأکید می‌کند: «آنها نماینده نظام آموزشی ما نیستند و اگر آموزشهای جنبی نباشد، نمی‌توانند رقابت کنند. این در حالی است که دوره آموزشی ما برای المپیادها طولانی است و سایر کشورها اینقدر هزینه نمی‌کنند. تنها کشوری مثل چین مدارس خاصی برای المپیادها دارد و گرنه کشورهای اروپای شرقی نظام آموزش پیش‌دانشگاهی سطح بالایی دارند و دانش‌آموزان المپیادی آنها نماینده برجسته این سیستم هستند. کشورهای دیگر نیز دوره‌های کوتاه مدت می‌گذارند. در بسیاری از کشورها، گروههای علمی متنوعی وجود دارند که استعداد دانش‌آموزان برجسته را از طریق اینترنت و... کشف می‌کنند و چندان دولتی هم نیستند. نظام آموزشی آنها هم منبع تولید نیرو است. حتی برخی از کشورها این مسابقات را محلی برای تفریح و تنوع بچه‌ها قلمداد می‌کنند، اما ما بیش از حد به این مسابقات اهمیت می‌دهیم و در مورد آن تبلیغات زیادی می‌کنیم. کسی که در این مسابقات نقره می‌گیرد، چنان جلوه داده می‌شود که نفر دوم جهان است. در حالی که ۵۰ نفر مانند او ممکن است در آن مسابقات وجود داشته باشند. این تبلیغات باعث می‌شود امر برخورد دانش‌آموز مشتبه شود و خودش را فراتر بداند و حتی رفتار اجتماعی خاصی بروز دهد که باشگاه دانش‌پژوهان جوان باید مشاورینی داشته باشد که مراقب این وضع باشند.»

با این وجود، وی وضع موجود را با توجه به کارکردهای مثبت المپیاد بهترین رفتار می‌داند، چون «نمی‌توان المپیاد را متوقف کرد و صبر کرد که نظام آموزشی به سطح المپیاد برسد.»

به این ترتیب ظاهراً آنچه المپیاد را در کشور ما از شکل طبیعی خارج کرده و آن را در مسیری پر از افراط و توام با بزرگنمایی‌های غیر واقعی انداخته، در درجه اول ضعف ساختاری نظام آموزشی و در درجه بعد عطش مردم برای ارضای غرور ملی و استفاده برخی رسانه‌ها از این عطش برای تبلیغات و پوشاندن ضعف علمی کشور بوده است.

دکتر تابش هرچند از آموزش المپیادی‌ها پیش از شرکت در مسابقات دفاع می‌کند و چنین آموزشهای ویژه‌ای را در کشورهای دیگر نیز رایج می‌داند، اما در عین حال تأکید می‌کند: «در

کشورهایی نظیر کشورهای غربی ساختار مدارس انعطاف‌پذیر است، به حدی که یک دانش‌آموز مستعد می‌تواند درسی را که در آن توانایی ویژه دارد، حتی فراتر از مقطع تحصیلی خود در مقاطع بالاتر دنبال کند.» وی از طرف دیگر هیجان‌زدگی و تبلیغات مربوط به المپیادها را در کشوری که به حد توسعه یافتگی نرسیده، طبیعی می‌داند، «چرا که ما نوبل علمی نداریم.» و به هر حال المپیاد آغاز راه برای توسعه علمی است و توجه رسانه‌ها انگیزه می‌دهد.

وی می‌گوید: «المپیاد، علوم پایه را متحول کرده است. عده قابل توجهی به ادامه تحصیل در علوم پایه متمایل شده‌اند و حتی رتبه سوم کنکور وارد رشته ریاضی محض شد. توفیق در المپیاد برای این قبیل دانش‌آموزان پله اول است و از این به بعد، رفتن یا ماندن آنها در کشور پس از تحصیل بستگی به برنامه‌های ما دارد. توسعه علمی آسان نیست و نباید فکر کنیم با نرفتن آنها به خارج از کشور توسعه پیدا می‌کنیم.»

این سخنان دکتر تابش واکنش به صحبت‌های کسانی است که اظهار می‌کنند دانش‌آموزان مستعد ایرانی شناسایی می‌شوند و آموزش‌های ویژه می‌بینند و سپس به خاطر امتیازات ویژه‌ای که برایشان تدارک دیده شده، راهی دانشگاه می‌شوند و تقریباً اکثریت قریب به اتفاق آنها از کشورهای خارجی سر در می‌آورند.

با این وصف، دریافت مدال در المپیادها نه چندان مهم است که صفحات اول روزنامه‌ها و برنامه‌های رادیو و تلویزیون را وقف خود کند و نه آنچنان که این دوپینگ نظام آموزشی کشور را از صحنه خارج و خود را از مزایای مثبت آن محروم کنیم. تنها باید بپذیریم دریافت مدال در المپیاد و رده‌بندی کردن تیم‌های اعزامی در میان کشورهای برتر جهان از نظر علوم و فنون، نشانه توسعه علمی ایران در حد و اندازه این کشورها نیست و نظام آموزشی و به طور کلی نوع نگاه ما به علم، به بازنگری جدی نیاز دارد. هنگامی که نظام آموزشی و سیستم علمی کشور ما بدون برگزاری دوره‌های فشرده آموزشی و دادن امتیازات جانبی توانست مدالهایی در مسابقات جهانی کسب کند، می‌توان به خود بالید و به طور کلی باید به المپیاد در حد و اندازه واقعی آن نگاه کرد. نه چیزی بیشتر و نه چیزی کمتر از آن!

● زنجیره معیوبی که از کنکور آغاز می‌شود

اگر به قولی «المپیادی‌ها نمونه‌های پرواری نظام آموزشی» باشند و تیم‌های دانشگاهی ایران در مسابقاتی برنده شوند که مرجعی برای تشخیص اهمیت و اعتبار آنها وجود ندارد، مشخص می‌شود که نمی‌توان مسابقات بین‌المللی را ملاک توان علمی و آموزشی ارزیابی کرد. هرچند که تورنمنت

سرنوشت‌ساز داخلی، یعنی کنکور نیز از جانب کارشناسان به عنوان امتحانی پر از نقص و اشکال تلقی می‌شود که مشکلات ساختاری خود را به تمام عرصه‌های نظام آموزشی و حتی المپیادهای علمی تسری داده و سرنوشت غم‌انگیزی را برای نحوه علم‌آموزی و عمق دانش‌آموزان و دانشجویان رقم زده است.

این در حالی است که به جای هر نوع تلاشی برای علمی کردن این آزمون، متولیان هر بار بدون دست زدن به ساختار معیوب کنکور آن را به شیوه‌های کهنه تکرار می‌کنند. زمانی کنکور از شکل دو مرحله‌ای خارج می‌گردد و یک مرحله‌ای می‌شود و بار دیگر مانند طرح جدید سنجش به شکل دو مرحله‌ای باز می‌گردد و هربار تنها بر دامنه اضطراب دانش‌آموزان می‌افزاید.

کنکور به شکل کنونی، فرهنگ تست‌زنی و سطحی‌نگری را به تمام عرصه‌های علمی گسترش و شکل‌یادگیری را تغییر داده و حتی کارشناسان از سرایت ایرادات آن به مقطع راهنمایی و دبستان صحبت می‌کنند.

استادان دانشگاه با تأسف می‌گویند حائزان رتبه‌های خوب کنکور، نسبت به هم‌تایان سالهای گذشته خود از عمق دانش برخوردار نیستند. کنکور، مشکلات ساختاری خود را به مسابقات بین‌المللی المپیاد هم تسری داده؛ چنان‌که امتیاز ورود بدون کنکور به دانشگاه برای رتبه‌های اول المپیاد، کلاسهای مختلف تست‌زنی و نیز کلاسهای خصوصی را حول هسته مسابقات المپیاد تشکیل داده است.

به این ترتیب بیم آن می‌رود که کنکور سراسری در المپیادهای علمی نیز غالباً معادگاه‌کسانی باشد که در کلاسهای بیشتری شرکت کرده و شیوه‌های تست‌زنی را به خوبی آموخته باشند. دکتر امیرحسین جهانگیر استاد دانشگاه صنعتی شریف می‌گوید: «از طرفی نظام آموزشی از دورهٔ مدرسه به بچه‌ها می‌آموزد تست بزنند تا در دانشگاه پذیرفته شوند. از طرف دیگر نمرات اول المپیاد از امکان ورود بدون کنکور به دانشگاه برخوردارند. حتی بعضی از دانش‌آموزان فهمیده‌اند که در المپیادها عده کمتری شرکت می‌کنند و المپیاد راه ساده‌تری برای ورود به دانشگاه است و بخت خود را در این راه می‌آزمایند. به این ترتیب برای افرادی با فرهنگ تست‌زنی، راههای کسب امتیازات اجتماعی فراهم می‌شود و نظام آموزشی ما به جای طی راههای ورود عادلانه به دانشگاه الزاماً متکی به یک سری تست شده است.»

کنکور، نظام آموزشی را برای هرگونه تحولی فلج کرده است. به نوعی که نظام آموزشی ایران به خودی خود و بدون «دوینگ» قادر نیست با نظام آموزشی کشورهای دیگر رقابت کند. دکتر کیامنش استاد دانشگاه تربیت معلم که سالها در زمینه برگزاری آزمونهای بین‌المللی فعالیت

کرده است، می‌گوید: «آزمون‌های بین‌المللی تیمز در مورد دروس علوم و ریاضی و نیز مطالعه بین‌المللی پیشرفت مواد که اخیراً در مورد خواندن و درک مطلب بچه‌های چهارم دبستان انجام گرفت، نشان می‌دهد نظام آموزشی وضع خوبی ندارد. در مورد آزمون درک مطلب از میان ۳۸ کشور تنها دو کشور پشت سر ایران قرار گرفتند که یکی از آنها بلژ است که عده زیادی حتی نام آن را نشینده‌اند. در این آزمون پنج هزار نفر شرکت داشتند و مخصوصاً مدارس غیرانتفاعی هم مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج آنها هم چشمگیر نبود. به این ترتیب نظام آموزشی ما قابلیت رقابت با کشورهای اروپایی، کشورهای جنوب شرق آسیا، چین، کره جنوبی و مالزی را ندارد. ولی شاید بتوانیم با کشورهای مثل ترکیه، اردن و مراکش رقابت کنیم. در دو دوره گذشته آزمون تیمز هم، ایران نتیجه تقریباً مشابهی با آزمون درک مطلب کسب کرد و بعید به نظر می‌رسد آزمون تیمز سال اخیر فرق زیادی را با گذشته نشان دهد.»

به این ترتیب به نظر می‌رسد مسئولان و دستگاه تبلیغاتی برای پوشاندن وضع بحرانی مراکز علمی و دانشگاهی و پنهان کردن عقب افتادگی کشورمان در تولید علم در جهان، که تنها به دو دهم درصد - یک پنجم از سهم جمعیتی ایران - بالغ می‌شود، به تبلیغات بیش از حد روی مسابقات علمی بین‌المللی رو آورده باشند. در حالی که در مورد مسابقات بین‌المللی حواشی زیادی وجود دارد.

دکتر امیرحسین جهانگیر که مدتی مدیریت برخی از تیم‌های روبات‌های فوتبالیست دانشگاه صنعتی شریف را در مسابقات بین‌المللی و نیز مدیریت پروژه روبات امدادگر را به عهده داشت، می‌گوید: «ما برای هماهنگی مسابقات علمی بین‌المللی مشکل سازمانی و سازماندهی داریم و جز باشگاه دانش‌پژوهان جوان، که در مورد مسابقات المپیاد فعالیت می‌کند، سازمان دیگری در این زمینه وجود ندارد. به این ترتیب چه بسا از کشور ما چند تیم همزمان به مسابقات بین‌المللی اعزام می‌شوند و مثلاً در مسابقات روبوکاپ فوکوهامای ژاپن از ۱۰۰۰ نفر شرکت کننده، صد ایرانی در قالب هفت، هشت تیم شرکت داشتند. به این ترتیب ما به سازمانی نظیر سازمان تربیت بدنی برای مسابقات بین‌المللی علمی و تحقیقی نیاز داریم. چنین سازمانی می‌تواند فعالیتهای علمی و تفنی مدارس و دانشگاهها را هم سامان دهد. فقط در زمینه روباتیک در حال حاضر ۱۰۰۰ نفر فعالیت می‌کنند که می‌توان برای آنها فدراسیونی تشکیل داد. کشورهای آلمان، آمریکا، ژاپن و تایلند چنین فدراسیونهایی دارند و حتی در سطح مدارس، مسابقات روبوکاپ برگزار می‌کنند که باعث نشاط مدارس و استقبال اولیا می‌شود؛ بویژه اگر قالب سازمانهای غیردولتی را داشته باشد.»

اما موضوع مسابقات بین‌المللی علمی زمانی ایرادات خود را بیش از پیش به نمایش می‌گذارد که حجم زیادی از تبلیغات خبری را تشکیل می‌دهد.

دکتر جهانگیر می‌گوید: «رسانه‌ها به خصوص رادیو و تلویزیون با دید عوام پسندانه در مورد مسابقات دانش‌آموزی و دانشجویی تبلیغات می‌کنند. در حالی که اعتبار علمی مسابقه یا نهاد جایزه دهنده از طرف مراجع بی‌طرف علمی مورد بررسی و تأیید قرار نمی‌گیرد. بویژه آنکه بعضی مؤسسات در جهان وجود دارند که پول می‌گیرند و ادعا می‌کنند کسی اکتشافی انجام داده است. به عبارتی برخی از این مسابقات از درجه اعتبار محدودی برخوردارند و رسانه‌ها تنها به این شکل عقده‌گشایی می‌کنند. چون به علت شرایط جهانی و انزوای نیاز داریم این طوری خودمان را ثابت کنیم. در حالی که در واقع از نظر علمی رده خوبی در جهان نداریم. از طرفی هر دانشجوی زرنگی هم می‌تواند چنین مسابقاتی را در جایی از دنیا پیدا کند و با دریافت مدال برای خود امتیازاتی دست و پا کند. اما بدتر از همه آنکه وقتی تحقیقات ارزشی ندارد و صنعت مطمئن است هرچه بسازد مردم می‌خرند، نخبگان برنده در مسابقات معتبر هم سرخورده می‌شوند و راهی خارج از کشور می‌شوند و احساس می‌شود به خاطر سختی حکومت بر نخبگان، مسئولان هم با رضایت به این موضوع تن می‌دهند.»

صرف‌نظر از سایر مسابقات علمی بین‌المللی که غالباً دانشجویان در آن شرکت می‌کنند، مشکلاتی در مورد مسابقات المپیادهای بین‌المللی هم وجود دارد. به ویژه آنکه المپیادها هرگز نمی‌توانند مشکلات ساختاری نظام آموزشی را لاپوشانی کنند.

دکتر محمد قدس رئیس بخش علمی المپیاد کامپیوتر می‌گوید: «المپیادی‌ها نماینده سیستم آموزشی ما نیستند. قطعاً نباید نتایج کار آنها را شاخص کیفیت بالای آموزش تلقی کرد. مسئله خلایقیت نظام آموزشی ما با المپیادها حل نمی‌شود. ولی المپیادها موجب ارتقای سطح دانش می‌شوند. متنها اگر امتیازات یک باره‌ای به آنها داده شود، المپیادها هم از عمقشان کاسته می‌شود.»

علاوه بر آنکه المپیادها شاخص مناسبی برای نشان دادن توسعه علوم در ایران نیستند، شیوه‌های مواجهه و تبلیغات حول و حوش آنها نیز از جهات زیادی دردسرها شده است.

دکتر جهانگیر می‌گوید: «المپیادی‌ها در یک زمینه خاص، خیلی باهوشند و به صورت فشرده در آن زمینه دوپینگ شده‌اند. ولی از نظر استعداد‌های دیگر خیلی بهتر از بقیه دانشجویان نیستند. اما چون صفت المپیادی را به دوش می‌کشند دچار غرور می‌شوند و حقی برای خود قایلند. تا جایی که یک دانشجوی المپیادی از دانشگاه اخراج شد. آنها از امتیاز ورود بدون کنکور به دانشگاه و معافیت سربازی برخوردار شده‌اند. در حالی که به جای این امتیازات باید محیط علمی قابل رشدی برایشان فراهم کرد. ما نتایج المپیاد را ملی جلوه می‌دهیم. در حالی که المپیاد مسابقه‌ای است که به دانش‌آموز امتیاز می‌دهد نه به تیم و کشور و تیم‌های ما خودشان مجموع امتیازات را حساب می‌کنند و به خودشان

رتبه می‌دهند. علم با مسابقه رشد می‌کند. ولی باید از آن برای حل مشکلات کشور بهره گرفت. نه برای عوامفریبی.»

المپیادها، مسابقاتی دانش‌آموزی هستند، در حالی که چنان که گفته شد در مورد مسابقات دانشجویی نیز ابهامات زیادی وجود دارد. کارشناسان تأکید می‌کنند اعتبار مسابقاتی که دانشجویان در آن مدال می‌آورند و هرازگاهی در مورد آنها تبلیغات گسترده‌ای صورت می‌گیرد، باید مورد بررسی مرجعی قرار گیرد. چرا که دانشگاه‌های ایران از نظر علمی در رتبه‌های بالایی قرار ندارند. مثلاً در یک بررسی که چینی‌ها در مورد معتبرترین دانشگاه‌های جهان انجام دادند، هیچ یک از دانشگاه‌های ایران در میان ۵۰۰ دانشگاه اول جهان حضور نداشتند.

دکتر کیامنش می‌گوید: «فرقی که دانشگاه‌های ما با دانشگاه‌های دیگر دارد این است که دانشجویان خیلی کم اساتید را می‌بینند، چون آنها چندجا کار می‌کنند. در حالی که در دانشگاه‌های دیگر دنیا اساتید و دانشجویان پرسش و پاسخ می‌کنند. در دانشگاه‌های ایران اگر دانشجو متوجه مطلب شد، شد، در غیر این صورت باید خودش با زحمت به دنبال آن برود. این باعث شده در علوم پایه نظیر فیزیک و شیمی، دانشجویان با مشکلات زیادی مواجه شوند. در بیشتر دانشگاه‌ها هم اینترنت قطع است و دانشجو امکان دسترسی به منابع دیگر را هم ندارند.»

کنکور، نظام آموزش مدرسه‌ای و آموزش عالی به شکل زنجیروار دچار نقص‌های جدی هستند و ایرادات خود را به یکدیگر منتقل می‌کنند. تا زمانی که نقص‌های این مراکز و در درجه اول مشکل سیستم کنکور حل نشود، امیدی به بالا رفتن سهم ایران در تولید علم جهان نیست و برنده شدن دانش‌آموزان المپیادی و دانشجویان در مسابقات بین‌المللی ملاک معتبری برای سنجش رشد علوم در ایران نیست.

نشان «ابن سینا» در اخلاق علمی به یک محقق کانادایی اهدا شد*

سازمان آموزشی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) نخستین نشان علمی ابن‌سینا را به یک پژوهشگر کانادایی اهدا کرد. به گزارش خبرنگار «ایران» در پاریس، در این مراسم که با حضور «کوئیشیر و ماتسورا» مدیرکل این سازمان و دکتر جعفر توفیقی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری ایران در پاریس برگزار شده بود، خانم «مارگارت سامرویل» از دانشگاه مک گیل کانادا به رأی هیئت داوران

برنده نخستین نشان علمی ابن سینا شد.

دکتر جعفر توفیقی در پایان این مراسم درخصوص این نشان به خبرنگار «ایران» در پاریس گفت: حدود یک سال و نیم پیش وزارت علوم به یونسکو پیشنهاد داد به لحاظ اهمیت اخلاق در علم از محققینی که در زمینه اخلاق در علم تحقیق می‌کنند، تقدیر شود به ویژه آن که در شرایط حاضر استفاده غیر اخلاقی از علم و یافته‌های آن رواج زیادی یافته است و این امکان در دست برخی کشورها به وسیله‌ای برای حفظ برتری اقتصادی و نظامی مبدل شده است.

وی افزود: با توجه به این مطلب و به ابتکار وزارت علوم، مسئله اعطای جایزه ابن سینا به یونسکو معرفی شد و قرار شد این نشان به آنانی که در زمینه اخلاق علمی، اخلاق بشری و در راستای اهداف صلح‌آمیز تلاش می‌کنند، اعطا شود.

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری کشورمان در همین خصوص افزود: هرچند در ابتدا بر سر نام این جایزه مدعیانی وجود داشت اما نهایتاً با تلاش ایران نام این جایزه ابن سینا انتخاب شد و انتخاب آن نیز به یاد دانشمند بزرگ کشورمان در زمینه‌های مختلف علمی، فلسفی و... است و این بدین معناست که از نظر ایران، علم باید در جهت اهداف بشر دوستانه برای تعالی فردی و جمعی به خدمت گرفته شود و از هر هدفی که منجر به نابودی انسانها باشد باید جلوگیری شود. دکتر توفیقی درخصوص عدم حضور ایران در نخستین دوره این نشان گفت: در این دوره، جمهوری اسلامی ایران به لحاظ انتساب نشان به ایران، تأکید داشت که نه نامزدی ارائه کند و نه در هیئت داوران حضور داشته باشد.

اما در مجموع حدود ۳۵ نفر برای دریافت این نشان نامزد بودند که نهایتاً خانم مارگارت سامرویل که در زمینه حقوق و مسائل پزشکی تحقیق می‌کرد موفق به دریافت این نشان شد.

وزیر علوم درخصوص این نشان که هر دو سال یک بار اهدا می‌شود، گفت: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به برنده نشان ابن سینا مبلغ ۱۰ هزار دلار، یک نشان طلایی و یک هفته سفر به ایران اهدا می‌کند.

خانم سامرویل نیز قرار است یک هفته به ایران سفر کنند و برنامه‌هایی از جمله دیدار با دانشگاهیان برای ایشان در ایران تدارک دیده شده است.

در این مراسم همچنین سفرای برخی از کشورها و سفرای ایران در پاریس و یونسکو به همراه چند تن از مقام‌های علمی و کشوری حضور داشتند.

سفرنامه‌ای صمیمی*

سفرنامه نویسی از حضور و نحوه سلوک و برخورد چهره‌های سیاسی با مردم و شهروندان،

سنت دیرپایی در ادبیات ما دارد، اگرچه قاعده این گونه نوشته‌ها این است که بیشتر رسمی و خشک و غیر صمیمی است، لذا در خوانندگان کمتر انگیزه‌ای برای خواندن ایجاد می‌کند. اما در این میان هستند برخی سفرنامه‌ها که به دلیل حضور و البته پذیرش یک داستان‌نویس برای نوشتن آن رنگ و صبغهای دیگر و البته صمیمی‌تر و روان‌تر به خود گرفته است. «داستان سیستان» که سفر ۱۰ روزه آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب به استان سیستان است، از جمله این آثار است. این سفرنامه که صبغهای داستان‌گونه به خود گرفته است، یک تفاوت با سایر سفرهای رهبر انقلاب دارد و آن اینکه ایشان پیش از انقلاب و به صورت تبعید در این منطقه به سر می‌بردند و لذا برخی از چهره‌های این دیار خاطرات و ناگفته‌هایی از آن حضور دارند که نویسنده به ظرافت آن را در «داستان سیستان» آورده است. یادداشتی درباره این کتاب را بخوانید.

رضا امیرخانی که به خاطر داستان «من او» در چند سال اخیر به عنوان استعدادی جدی در حوزه داستان نویسی شناخته شده است، در مقدمه انتقادی و جسارت آمیزش به دیداری که بعدها منجر به نگارش این داستان شده اشاره می‌کند. به خصوص آنجا که از دقت رهبر انقلاب در شناختن تک تک نویسندگان و نام بردن از آثارشان یاد می‌کند و البته به خاطره‌ای از مسئولی دیگر در این زمینه اشاره می‌کند:

«برای من خیلی عجیب‌تر بود که ره بر (نویسنده در تمامی متن و حتی در عنوان کتاب از این املاء برای رهبر استفاده کرده است) یک مملکت که حتماً کارهای زیادی برای انجام دادن دارد، فرصت داشته باشد که این همه کار را بخواند، اما مسئولان فرهنگی ما وقتشان شریف‌تر باشد از اینکه برای چنین کارهای نحیفی صرف شود... وای برایشان، و البته به عبارت دقیق‌تر یا ویلنا! چپ و راست، جدید و قدیم، دولتی و غیردولتی، بسیاری‌شان به اندازه آقا ما را نمی‌شناسند. سال‌ها پیش خواستم وقت بگیرم از مسئولی فرهنگی، بعد از دو هفته میسر شد که تلفنی با او صحبت کنم، گفتم فلانی هستم، گفت از کجا، گفتم از خانه! گفت نمی‌شناسمت، گفتم حضرت! سه هفته نگذشته است که به من با دست خودت جایزه دادی و از قلم روان من در حضور آن مسئول درجه یک مملکتی تعریف کردی. گفت کدام جایزه؟ کدام کتاب؟ به او گفتم. گفت: ای آقا من که وقت نمی‌کنم کتاب بخوانم... شش‌شقه هدرت».

و سپس در ادامه می‌نویسد: «کاش مسئولان فرهنگی ما، نمی‌گوییم بیش، شناخت، شعور... کاش به اندازه رهبر کتاب می‌خواندند. و کاش (ترا!) که رهبری توی یکی از این ملاقات‌ها مثل اساتید دانشگاه که ناغافل آزمونک (به قول خودشان کوییز) می‌گیرند، ناگاه به این مسئولان فرهنگی می‌گفت که هر کدام کاغذی و قلمی آماده کنند و نام پنج کتاب خوب و نام دو فیلم دوست داشتنی و فقط نام یک موسیقی غیر مبتذل را بنویسند. همین. هنرهای تجسمی هم پیش‌کش...»

در همین مقدمه وی ضمن انتقاد از دیگر نویسندگانی که با وی در نشست با رهبر حضور داشتند و بیشتر گله‌گذاری‌های نه چندان در شأن نویسنده را طرح کردند، اشاره کرده و از برخی رفتارها ابراز گله‌مندی می‌کند:

«وقتی آقا بلند شدند. چند نفری جلو رفتند که رهبر را ببینند و صحبتی بکنند و... من هم خیلی دوست داشتم، اما بعضی از دور و بری‌ها را که دیدم چه گونه به دنبال دادن کتاب و فیلم‌نامه و در حقیقت تصویب آن هستند، حالم گرفته شد و کنار ایستادم. بیرون آمدنی یکی آمده بود پهلوی مسئولی فرهنگی و می‌گفت شما شاهد باش که من در خدمت آقا، از فلان مسئول بالاتر دوبار تعریف کردم! بوی نفسانیت بدجوری بلند شده بود...»

استفاده از برخی فضاسازی‌های مناسب برای کشاندن خواننده به داستان از جمله نکات خواندنی این کتاب است:

«رهبر نشسته است در جایگاه و نماینده‌اش در استان صحبت می‌کند. ما که می‌رسیم ناگهان می‌گوید:

- شاه یک کار خیلی خوبی کرد...

من هول می‌شوم. همراهان نیز. همه دهان‌ها مان باز است که نماینده ولی فقیه خیال‌مان را راحت می‌کند و ادامه می‌دهد:

- شاه یک کار خیلی خوبی کرد و آن هم تبعید آقا به این استان بود...

حتی خود رهبر هم خنده‌اش گرفته است.»

و یا زمانی که آن پیرمرد بلوچی پس از جدال و کنارزدن محافظان می‌خواهد نامه‌ای را به رهبر بدهد:

«تعداد محافظان به عوض آرام کردن پیرمرد، او را جری‌تر کرد و شروع کرد به هل دادن محافظ‌ها. دیگر با دست گرفته بودندش و او هم داد می‌زد. رهبر از بالا اشاره کرد که ره‌ایش کنند. محافظ‌ها که ره‌ایش کردند، دست کرد داخل دشداشه، دست محافظ‌ها هم رفت زیر کت... نامه‌ای را درآورد و جلو رفت:

- باید با دست خودت بگیری...

رهبر خم شده بود و پیرمرد روی نوک پنجه ایستاده بود. عاقبت یکی از محافظ‌ها بالا رفت و نامه را از دست پیرمرد گرفت و به دست رهبر داد...»

از این گونه مثال‌ها و نمونه‌ها در کتاب فراوان وجود دارد و نویسنده سعی کرده است تمامی این نکات را با ریزینی به روایت کشد.

آغاز سفرنامه داستان سیستان به جمله‌ای معروف از ابوالفضل بیهقی در فصل بر دار کردن حسنک مزین شده است که هم نویسنده و هم خواننده را تحذیر می‌دهد که قرار نیست با نوشته‌ای سرار تعریف و تمجید و یابی حقیقتی در روایت روبه‌رو شود:

«در تاریخی که سعی می‌کنم سخنی نرانم که آن به تعصبی و تزیدی کشد و خوانندگان این تصنیف گویند شرم باد این پیر [بی پیر!] را!»

اما در نهایت اگرچه نویسنده سعی کرده چنین فضایی را حفظ کند، اما بیشتر این فضا به مسائل حاشیه‌ای پرداخته شده تا اصل ماجرا.

خاتمی: بسترهای لازم برای پرورش نخبگان باید فراهم شود*

رئیس جمهوری در دیدار تعدادی از جوانان مدال‌آور جهانی در عرصه‌های علمی، فرهنگی و هنری، بر فراهم شدن امکانات و بسترهای لوازم پرورش نخبگان در سراسر کشور تأکید کرد.

به گزارش ایسنا، سیدمحمد خاتمی افزود: حمایت از نخبگان تنها با تأمین نیازهای زندگی آنها مهیا نمی‌شود، بلکه آنها باید از نظر روحی و اجتماعی نیز احساس رضایت و امنیت کنند. خاتمی تصریح کرد: نخبگان باید احساس کنند که خروجی ذهنی و ابتکارهای آنها در جامعه منشأ اثر می‌شود و جامعه، حکومت و مردم متقاضی اندیشه و اختراع آنها هستند.

رئیس جمهوری با اشاره به گامهای برداشته شده برای ارتباط و پیوند میان دانشگاه با صنایع و جامعه افزود: رشد اقتصادی با توسعه صنعتی و علمی پیوستگی دارد و کارهای نسبتاً خوبی در این زمینه انجام شده است.

